

بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر روابط زوجین: یک مطالعه کیفی

فائزه نامداری^۱

نازنین هنرپروران^۲

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی کیفی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر کیفیت زندگی و روابط زوجین مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: در این پژوهش از روش پدیدار شناختی استفاده شده است. در این روش، پژوهشگر در پی کسانی بود که تجربه غنی از پدیده مورد بررسی و همچنین تمایل به بیان آن داشته‌اند. لذا براساس هدف تحقیق، نمونه از میان زوجین شیرازی با سابقه روابط قبل از ازدواج انتخاب گردید. نمونه‌گیری تا حد اشباع، یعنی زمانی که در خلال مصاحبه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیاید و پایان می‌یابد. **یافته‌ها:** نتایج نشانگر دو حیطه اصلی: ۱- نکات مهم در تجارب روابط قبل از ازدواج که شامل علل و عوامل ورود به رابطه، معیارهای انتخاب، احساس فرد از تجربه رابطه، امتیازها و معایب، نگرانی و دغدغه افراد در این دوران ۲- تأثیر این روابط بر کیفیت زندگی و روابط زوجین که شامل ارتباط با همسر، رضایت از زندگی مشترک، شباهت‌ها و تفاوت‌های دوران دوستی با بعد از ازدواج بود.

نتیجه‌گیری: این نتایج بر وجود میل غریزی به شناخت جنس مخالف و فاصله گرفتن از ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی مدرن تأکیدی کند. ولی به دلیل نبودن فلسفه زیربنایی این روابط در کشور ما و تفکر سنتی خانواده و عدم حمایت آن‌ها بعد از ازدواج و همچنین نرسیدن افراد به رشد فکری لازم در مورد هدف از ایجاد رابطه و عدم مدیریت درست آن، مشکلات و همچنین عوارض فردی و اجتماعی برای افراد به وجود می‌آید.

کلیدواژه‌ها: معاشرت با جنس مخالف، کیفیت زندگی، روابط زوجین.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران

۲. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسئله

انسان موجودی اجتماعی است و مسیر رشد و تکامل او از متن اجتماع می‌گذرد بنابراین ارتباط همواره چالش انسان اجتماعی بوده است. انسان در طول رشد خود، پیوسته برای بقا و پیشرفت خویش، محتاج ارتباط با دیگران است که بین این امر با سلامت رابطه‌ای نزدیک وجود دارد. تمام انسان‌ها به دنبال یافتن کسانی هستند که با آن‌ها احساس خوشبختی کنند و از زندگی با آن‌ها لذت ببرند و در کنارشان منفعت بیشتری کسب کنند (احمدی، ۱۳۸۶). با گسترش امکانات جدید ارتباطی، جامعه ایران به تدریج با امواج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه شده است. این فرایند تغییرات ارزشی خود را در شکاف‌های بین نسلی به خوبی نشان می‌دهد. چرخشی که در نسل و روندی که نشانه تغییر در جامعه‌ای است که هنجارها و ارزش‌های سنتی آن کمتر در جوانان تأثیرگذار است. تغییرات ارزشی با شکاف بین نسل‌ها و پشت کردن نسل‌های جوان‌تر به ارزش‌های سنتی در جامعه شروع می‌شود و ممکن است به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر بینجامد (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۰). مطالعه تحولات ایران از تغییرات اجتماعی گسترده‌ای در سال‌های اخیر خبر می‌دهد (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۱). در سال‌های گذشته پدیده روابط و معاشرت پیش از ازدواج از درون روابط بین شخصی جوانان در حال زایش است (نادرین و بندگانی، ۱۳۹۲). هرچند، روابط پیش از ازدواج در ایران با انگیزه‌های گوناگون و در قالب الگوهای متفاوتی صورت می‌پذیرد (آزادارمکی، شریفی ساعی، ایثاری، طالبی، ۱۳۹۱). روابط پسران و دختران پیش از ازدواج همواره موضوعی مهم و همراه با شک و تردید و اضطراب بوده است. از طرفی فشارها و تنش‌های غریزی باعث می‌شود که جوانان به سمت جنس مخالف گرایش پیدا کنند و از طرف دیگر ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی به عنوان موانعی سر راه آنان عمل کرده‌اند. این حالت‌های متضاد و متناقض در جامعه همواره برای نوجوانان و جوانان مسئله‌ساز و بفرنج بوده و وضعیت نامعلوم و سردرگمی را از لحاظ نحوه کنار آمدن با این مشکل ایجاد کرده است (کوثری ۲۰۰۴، به نقل از رفاهی، گودرزی، چهارراهی، ۱۳۹۱). یکی از حیطه‌های بزرگ کیفیت زندگی، کیفیت زندگی زناشویی است. مفاهیم بسیاری از قبیل سازگاری، رضایت، شادمانی، یکپارچگی و تعهد برای کیفیت زندگی زناشویی به کار رفته است (لوپس و اسپانیر ۱۹۷۹،^۸ به نقل از الیس^۹، ۲۰۰۴). لارسون و هولمان^۱ بیان کردند کیفیت زناشویی یک مفهوم پویا است زیرا ماهیت و کیفیت روابط میان افراد در خلال زمان تغییر می‌یابد که این مطلب امکان شناسایی عوامل تأثیرگذار بر کیفیت یک رابطه را فراهم می‌آورد هرچند که ممکن است که این قبیل روابط پیچیده بوده و حاوی تعاملات میان متغیرهای بسیار باشند (لارسون و هولمان^{۱۰}، ۱۹۹۴؛ به نقل از غلامعلیان و همکاران، ۱۳۸۵).

در بین ارتباطات انسانی، نیاز به ارتباط با جنس مخالف هم در مقطعی از زندگی انسان مطرح می‌شود و این زمانی است که پسر و دختر تصمیم می‌گیرند تا همسر آینده را انتخاب کنند و در این

ارتباط مقطعی که لازمه شناخت از همدیگر است، اصولی مطرح هستند (احمدی، ۱۳۸۶). یکی از مسائلی که در زندگانی بشر نقش حیاتی دارد، مسئله شناخت است. زندگی انسان‌هایی که فاقد شناخت و معرفت‌اند، به فقدان ارزش مبتلاست. لذا معرفت‌شناسی در فلسفه تا بدان حد از اهمیت قرار دارد که از طریق آن می‌توان به هستی‌شناسی دست یافت و به تفسیری از جهان هستی نائل آمد. در فلسفه لازمه انسان‌شناسی هم که در آن از اهمیت انسان بحث می‌شود، برخوردار از معرفت است و هر یک از مکاتب فلسفی به نوعی به معرفی انسان می‌پردازند. لذا در انتخاب همسر نیز می‌توان از انسان‌شناسی مطرح شده در فلسفه بهره جست. مسئله ارزش‌شناسی نیز که از دیگر جنبه‌های مهم و مطرح فلسفه است، خود ریشه در معرفت‌شناسی دارد (ایمانی، ۱۳۸۶). اما آنچه که در کنار و همراه عوامل مختلف می‌تواند نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذاری را در روابط متقابل میان دختر و پسر به همراه داشته باشد، شامل موارد زیر است:

۱) رعایت موازین شرعی، قانونی و هنجارهای انسانی و اجتماعی

۲) شناخت جنس مخالف

۳) شیوه‌های صحیح برقرار کردن ارتباط

۴) آموزش رفتار جنسی (کاوه، ۱۳۸۶).

بدون تردید ازدواج یکی از ارتباط‌های قوی و مهم‌ترین حادثه زندگی هر انسانی است، که موفقیت یا شکست در آن، برای هر یک از زوجین سرنوشت‌ساز خواهد بود. پژوهش‌ها در ارتباط با ملاک‌های همسرگزینی نشان می‌دهد که بین معیارهای همسرگزینی و رابطه آن با عملکرد خانواده رابطه معناداری وجود دارد (رفاهی، ۱۳۸۷). نابسامانی ازدواج و عدم خشنودی در زندگی زناشویی به‌طور معناداری با شیوع اختلالات عاطفی-هیجانی و عدم خشنودی در جمعیت عمومی رابطه دارد و همچنین بر روی میزان کیفیت زندگی نیز تأثیرگذار خواهد بود. درحالی‌که ازدواج‌های رضایت‌بخش، باعث ارتقا سلامت همسران و مانع رویدادهای منفی زندگی و مشکلات روان‌شناختی در آن‌ها می‌شود. مشکلات و نابسامانی زندگی پیامدهای منفی برای سلامت عاطفی و جسمانی آن‌ها می‌شود (به اعتقاد وارینگ^۱، ۱۹۸۱؛ به نقل از کاظمی و همکاران، ۱۳۹۰). از آنجا که جامعه ما در حال گذر از سنتی به مدرنیته است و عده‌ای نیز درگیر روابط قبل از ازدواج می‌شوند و سپس ازدواج می‌کنند و ممکن است این روابط در زندگیشان تداخل ایجاد کند حال پژوهش حاضر در نظر دارد که بررسی کند دوستی‌های قبل از ازدواج زوجین چه تأثیر مثبت و همچنین تأثیر منفی می‌تواند در آینده و بر کیفیت و رابطه زوجین داشته باشد. لذا سؤال متبادر به ذهن نگارنده این بود که در جامعه ایران تأثیر معاشرت‌های قبل از ازدواج در ازدواج چیست؟ تأثیر این معاشرت‌ها در موفقیت ازدواج و رخداد طلاق چیست؟

فرضیات

به نظر می‌رسد سابقه رابطه قبل از ازدواج بر روابط زوجین پس از ازدواج تاثیر گذار می باشد.

مبانی نظری

نظریه مبادله اجتماعی که در پژوهش‌های مربوط به ازدواج و روابط بسیار نزدیک عنوان شده است از نظریه وابستگی میان فردی تایبوت^۳ و کلی (۱۹۵۹؛ به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۱) گرفته شده است و بیان می‌کند روابط رشد می‌کنند، توسعه می‌یابند، محو می‌شوند و به‌عنوان پیامد یک فرایند تبادل اجتماعی آشکار منحل می‌شوند که ممکن است به‌عنوان دادوستد پاداش‌ها و هزینه‌ها میان زوجین و میان دیگران تلقی شود (هوستن و برگسن^۴، ۱۹۷۹؛ به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۱). مطابق با نظریه مبادله اجتماعی حفظ یا انحلال یک رابطه مبتنی بر نحوه تبادل پاداش‌ها و هزینه‌های بین اعضای رابطه است؛ به‌عبارت‌دیگر، حفظ یا انحلال یک رابطه به این بستگی دارد که اعضای یک رابطه چگونه هزینه‌ها یا پاداش‌های مربوط به ادامه یا خاتمه رابطه را ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین، حاصل مصاحبه آگاهانه و ناخودآگاه هزینه‌ها در مقایسه با پاداش‌ها می‌کنند. روشن است که یک شخص در یک رابطه می‌ماند اگر جاذبه‌های درونی آن ازدواج قوی‌تر از جاذبه‌های بیرونی آن باشد. برعکس، اگر هزینه‌ها طلاق بالا باشند حتی با وجود بسیار جذاب بودن گزینه‌های دیگر، احتمالاً طلاق رخ خواهد داد (پرز و اسپرنکل^۱، ۱۹۹۶؛ به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۱). طبق نظریه دل‌بستگی، افراد هنگام برقراری رابطه نزدیک و صمیمانه یکی از این سه سبک دل‌بستگی را می‌پذیرند: ایمن، اجتنابی، و مضطرب دو سوگرا. سبک دل‌بستگی ایمن با میل به قدردانی، توجه و فدا کردن خود به خاطر افراد نزدیک و مهم ارتباط دارد. سبک دل‌بستگی اجتنابی با فقدان دل‌بستگی و علاقه نسبت به افراد مهم و نزدیک همراه است. افراد با دل‌بستگی مضطرب دو سواگرا در روابط صمیمانه خود احساس ناامنی و حسادت می‌کنند (کلینکه^۱، ترجمه محمدخانی، ۱۳۹۲). براساس این نظریه، تنش در روابط با عدم امنیت دل‌بستگی ارتباط دارد هنگامی که امنیت دل‌بستگی مورد تهدید قرار می‌گیرد، عصبانیت اولین پاسخ است. این عصبانیت اعتراضی در مقابل از دست دادن دل‌بستگی ایمن است. اگر چنین اعتراضی منجر به پاسخ‌دهی نشود ممکن است با ناامیدی و فشار توأم شود و به‌صورت یک استراتژی مزمن برای کسب و حفظ الگو دل‌بستگی درآید. قدم بعدی، کندوکاو و جستجو است که بعداً منجر به افسردگی و ناامیدی می‌شود. اگر همه این اقدامات شکست بخورد، رابطه دچار مشکل می‌شود، غم‌انگیز شده و جدایی رخ می‌دهد. پاسخ‌های خشن در روابط با وحشت از دل‌بستگی مرتبطاند که در آن زوجها عدم امنیت خود را با اعمال کنترل و بدرفتاری نسبت به همسر خود تنظیم می‌کند. رخدادهای تروماتیک یا آسیب‌زایی که به پیوند بین زوجین صدمه می‌زنند و اگر برطرف نشوند باعث نگهداری چرخه‌های منفی و ناامنی در دل‌بستگی می‌شوند، از جمله آسیب‌های دل‌بستگی‌اند. این رخدادهای هنگامی اتفاق می‌افتند که یک زوج نمی‌تواند در لحظه نیاز فوری به دیگری پاسخ دهد. رخدادهای منفی مربوط به دل‌بستگی،

مخصوصاً ترک کردن‌ها و خیانت‌ها، اغلب باعث وارد آمدن آسیب همیشگی به روابط نزدیک می‌شوند (جانسون و دنتون^۲، ۲۰۰۲؛ به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۸۵).

پیشینه مطالعاتی

خلج آبادی فرهانی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر احتمال طلاق در بین افراد تحصیل کرده دانشگاهی که از بین دو گروه دانشجوی مجرد و متأهل در رده سنی ۱۸ تا ۴۰ سال با هدف بررسی روابط قبل از ازدواج بر احتمال تعارض زوجین و در نتیجه طلاق از بین دانشجویان زن و مرد از ۷ دانشگاه تهران و در دو روش نمونه‌گیری طبقه‌ای سهمیه‌ای و خوشه‌ای انجام شد به این نتیجه رسیدند که شیوع سبک همسرگزینی از طریق دوستی و رابطه عاطفی قبل از ازدواج در بین افراد تحصیل کرده در شرف طلاق به‌طور معناداری بیشتر از افراد تحصیل کرده متأهل است (۲۹/۷٪ در مقابل ۲۱/۱٪). کریمی ثانی و احمائی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان ارائه مدل پیشنهادی برای کیفیت زندگی زناشویی براساس عوامل پیش‌بینی کننده قبل از ازدواج در بین زوجین تبریز ارائه دادند. هدف از این پژوهش این بود که با استفاده از تحلیل مدل‌سازی معادله ساختاری براساس عوامل قبل از ازدواج به‌منظور پیش‌بینی کیفیت زندگی زناشویی در بین زوجین مدل مناسبی تدوین شود، که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین ۵۳ پایگاه و مرکز بهداشتی - درمانی در شهر تبریز ۵۶۰ نفر از بین زوجین انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که بین عوامل خانوادگی و کیفیت زندگی زناشویی رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. کلو و بویل^۱ (۲۰۱۰) با استفاده از اطلاعات غنی سوابق زندگی از اتریش به بررسی تأثیر همبستگی قبل از ازدواج بر فروپاشی متعاقب زندگی زناشویی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که افرادی که قبل از ازدواج همبستگی داشته‌اند دارای ریسک بالاتر فروپاشی زندگی زناشویی بودند اما زمانی که عواملی که در انتخاب آن‌ها مؤثر بود را کنترل کردند مشاهده شد که ریسک فروپاشی خانواده برای افرادی که قبل از ازدواج همبستگی داشته‌اند بسیار پایین‌تر از افرادی می‌باشند که مستقیماً و بدون هیچ‌گونه همبستگی ازدواج کرده‌اند. این نتیجه که همبستگی قبل از ازدواج ریسک جدایی زندگی زناشویی را کاهش می‌دهد در حقیقت تأییدیه‌ای را برای تئوری "ازدواج آزمایشی"^۲ فراهم می‌آورد. هایکل و کیزر^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی که با هدف بررسی تصورات جوانان هلندی از میزان تشابه و تفاوت همبستگی و ازدواج انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بسیاری از شرکت‌کنندگان به بحث درباره تفاوت‌ها و شباهت‌های بین همبستگی و ازدواج بر اساس نرخ‌های بالای طلاق پرداخته و مکرراً همبستگی را به‌عنوان یک استراتژی کاهنده‌ی ریسک در نظر گرفتند. هم‌زمان با آن نیز، ازدواج اغلب به‌عنوان یک ارتباط واقعی و سمبل تعهد و توافق نهایی تلقی کردند.

1. Kulu & Boyle
2. Trial marriage
3. Hiekel & Keizer

روش‌شناسی

روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع هدفمند می‌باشد؛ در این روش، پژوهشگر در پی کسانی بود که تجربه غنی از پدیده مورد بررسی و همچنین تمایل به بیان آن داشته‌اند لذا ترجیحاً نمونه از میان زوجین دارای سابقه رابطه دوستی قبل از ازدواج انتخاب شد. در این تحقیق با ۹ نفر (۵ زن و ۴ مرد) از زنان و مردانی که رابطه دوستی قبل از ازدواج را تجربه کرده بودند، مصاحبه شده است. با استفاده از معیار اشباع نظری درباره تعداد مشارکت‌کنندگان تصمیم‌گیری شد؛ که معمولاً نمونه مورد مطالعه در تحقیقات کیفی کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نیست و حجم نمونه با سطح اشباع‌پذیری ارتباط تنگاتنگی دارد. نمونه‌گیری تا حد اشباع، یعنی زمانی که در خلال مصاحبه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیاید و پایان می‌یابد.

در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساخت یافته از نوع بنا به فرصت پیش‌آمده استفاده شده است. این نوع مصاحبه که به مصاحبه پدیدارشناسی نیز مشهور است و در آن، منبع اصلی اطلاعات، مصاحبه عمیق و ژرفی است که به صورت مشارکتی بین پژوهشگر و مصاحبه‌شونده انجام می‌گیرد. سؤالات مصاحبه به صورت باز پاسخ و بر اساس اهداف و پیشینه نظری پژوهش توسط محقق طراحی شده است.

در راستای اجرای پژوهش ابتدا با مراجعه به کلینیک‌های مشاوره و همچنین بررسی مشارکت‌کنندگان در دسترس پس از تعیین اعضای شرکت‌کننده، اعضا را ملاقات کرده و در خصوص اهداف پژوهش با آن‌ها صحبت نموده و از آن‌ها دعوت به همکاری شد. همچنین به آن‌ها یادآوری شده که اطلاعاتشان محرمانه خواهد ماند. روش اجرا در این تحقیق بدین صورت بود که پرسش‌های چندی به‌عنوان راهنمای مصاحبه طراحی شدند که پاسخ‌های باز و تفسیری داشتند و پاسخ‌نمونه‌ها، روند آن‌ها را هدایت می‌کرد. سؤالات با تمرکز بر مطالب تحت پوشش، در یک راهنمای مصاحبه آورده شدند.

توالی آن‌ها برای هر شرکت‌کننده متفاوت بود. فرایند سؤالات بستگی به فرآیند مصاحبه و پاسخ‌های هر فرد داشت؛ اما باین حال، راهنمای مصاحبه این اطمینان را می‌داد که محقق، داده‌های مشابه را از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری نماید. فرم مصاحبه نیز شامل دو دسته از سؤالات بود: ۱. سؤالات اساسی ۲. سؤالات پیگیری؛ سؤالات اساسی در این تحقیق، دایره وسیع کاوش و سؤالات پیگیری، دایره محدود کاوش را شامل می‌شدند. سؤالات اساسی شامل: "تجربه و احساسات را از بودن در این فضا برابیم بگو" و سؤالات دیگری چون "چه درکی از این رابطه داشتی؟" و سؤالات کاوشی مانند: "آیا منظورت این است که ... چگونه ...". در اینجا هدف محقق، رسیدن به عمق تجربه پاسخگویان است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های انفرادی استفاده شد. زمان مصاحبه نیز نامحدود بوده و بستگی به وضعیت شرکت‌کنندگان داشت (بین ۵۰ تا ۱۲۰ دقیقه).

در این پژوهش تحلیل داده‌های دریافت شده از مصاحبه‌ها بر مدل ۱۰ مرحله‌ای تحلیلی Streubert & Carpenter استوار گردیده است. بدین معنا که پس از چندین بار مرور متن هر مصاحبه و استخراج کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بودند، کدها به صورت دسته‌هایی درآمدند، سپس دسته‌های اولیه با یکدیگر مقایسه و ضمن ادغام موارد مشابه حول محور مشترکی قرار گرفتند.

۵-۱. جدول شماره ۱: داده‌های دموگرافیک

رابطه جنسی قبل ازدواج	مدت زمان ازدواج	مدت زمان دوستی	نحوه آشنایی	وضعیت اشتغال	تحصیلات	سن	کد	جنسیت
دارد	۶ ماه	۳ سال و نیم	محل کار	آزاد	فوق دیپلم	۲۸	۱	زن
ندارد	۱۳ سال	۱۱ ماه	دانشگاه	کارمند	لیسانس	۳۴	۲	
دارد	۸ ماه	۵ سال	از طریق دوستان	خانه‌دار	فوق دیپلم	۲۴	۳	
ندارد	۱۶ سال	۸ سال	اقوام	خانه‌دار	زیر دیپلم	۳۳	۴	
دارد	۲ سال	۴ سال	اقوام	کارمند	فوق لیسانس	۲۶	۵	
دارد	۶ ماه	۳ سال و نیم	محل کار	آزاد	فوق لیسانس	۵۳	۶	مرد
ندارد	۱۳ سال	۱۱ ماه	دانشگاه	کارمند	لیسانس	۳۶	۷	
دارد	۸ ماه	۵ سال	از طریق دوستان	آزاد	فوق دیپلم	۲۵	۸	
دارد	۲ سال	۵ سال	اقوام	آزاد	فوق دیپلم	۲۸	۹	

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاصل از داده‌ها با مطالعه مشخصات دموگرافیک ۹ نفر با سابقه روابط قبل از ازدواج مورد بررسی قرار گرفتند. به لحاظ توزیع جمعیت شناختی می‌توان گفت که حداقل و حداکثر سن شرکت‌کنندگان زن به ترتیب ۲۴-۳۴ و در مورد مردان به ترتیب ۲۵-۵۳ می‌باشد؛ نتایج نشانگر دو حیطة اصلی:

- ۱- نکات مهم در تجارب روابط قبل از ازدواج که شامل علل و عوامل ورود به رابطه، معیارهای انتخاب، احساس فرد از تجربه رابطه، امتیازها و معایب، نگرانی و دغدغه افراد در این دوران
- ۲- تأثیر این روابط بر کیفیت زندگی و روابط زوجین که شامل ارتباط با همسر، رضایت از زندگی مشترک، شباهت‌ها و تفاوت‌های دوران دوستی با بعد از ازدواج بود؛ که به تفکیک و به صورت مبسوط با استناد به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان مورد بررسی قرار گرفته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۶-۱. جدول شماره ۲: نکات مهم در تجارب روابط دوستی قبل ازدواج

کد	طبقه مفهومی	تم
فاصله گرفتن از ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی مدرن شناخت بیشتر جنس مخالف قدرت انتخاب بیشتر کسب تجربه میل جنسی احساس تنهایی احساس نیاز به تکیه‌گاه مورد حمایت واقع شدن نیاز عاطفی (احساس کمبود محبت) نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن پیدا کردن فرد ایده‌آل برای ازدواج پیدا کردن معیارهای مناسب برای ازدواج رسیدن به یک شرایط مالی مساعد گرایش به ازدواج رسیدن به امیدها و آرزوها رسیدن به آرامش دستیابی به رابطه صمیمی با جنس مخالف حس کنجکاوی نیاز به آزادی عمل بیشتر حس برتر بودن نسبت به هم‌جنسان هیجان‌طلبی نیاز به درک شدن نیاز غریزی	عوامل فردی	علل و عوامل مؤثر در گرایش به روابط قبل ازدواج
الگوپذیری از دوستان و خانواده	عوامل	نکات مهم در تجارب زیسته ی زوجین قبل ازدواج

<p>تأثیر محیط زندگی برطرف نشدن نیازهای عاطفی از جانب خانواده وجود شرایط خانوادگی نامساعد فرار از محیط خانواده الگوپذیری از دوستان و اطرافیان</p>	<p>خانوادگی و اجتماعی</p>		
--	-------------------------------	--	--

<p>ویژگی‌های اخلاقی ویژگی‌های ظاهری درک شدن بیشتر از جانب جنس مخالف رفع تنهایی صداقت وفاداری غریزه جنسی ویژگی‌های مالی و اقتصادی ملاک‌های مشابه با انتخاب همسر</p>	<p>معیارهای انتخاب</p>	
<p>حس دوست داشتن و دوست داشته شدن یافتن فرد ایده‌آل یافتن تکیه‌گاه حس امنیت و آرامش کسب تجربه ارضای نیازهای جنسی حس درک شدن</p>	<p>احساس فرد از تجربه این روابط</p>	

<p>ترس از قضاوت‌های دیگران ترس از تنهایی ترس از تجربه خیانت توسط طرف مقابل نگرانی از قطع رابطه و عوارض روانی و اجتماعی بعدی نگرانی از عدم پذیرش همیشگی ترس از سرزنش شدن ترس از واکنش منفی خانواده</p>	<p>قبل تصمیم به ازدواج</p>		
<p>ترس از کم شدن عشق و علاقه قبل ازدواج ترس از دست دادن ترس از عدم پذیرش توسط خانواده‌ها بعد ازدواج ترس از اثرگذاری رابطه در روابط خانوادگی و اجتماعی</p>	<p>بعد از تصمیم به ازدواج</p>	<p>نگرانی و دغدغه‌ها در رابطه با جنس مخالف</p>	
<p>افزایش شناخت طرفین درک تفاوت‌های فردی و آگاهی از نیازها و خواسته‌ها محک زدن میزان عشق و علاقه قبل ازدواج داشتن قدرت انتخاب</p>	<p>امتیازها</p>	<p>امتیازها و معایب این نوع ازدواج‌ها</p>	
<p>نگرانی دائمی از پایان یافتن ارتباط عدم بیان انتظارات و وظایف به‌طور واضح و شفاف به علت نامشخص بودن شرح وظایف ومبهم بودن تعاریف نقش قبل از ازدواج</p>			

<p>برخوردار نبودن از حمایت خانواده عدم مسئولیت قبل از ازدواج تجربه‌ی صدمات روحی و اجتماعی بعد از اتمام رابطه مخصوصاً جنس دختر</p> <p>عدم کنترل محدوده روابط دروغ‌گویی برای به‌دست آوردن اعتماد یا جلب نظر طرف مقابل عاشقی بدون منطق ایجاد شک و بدبینی و بی‌اعتمادی بعد از ازدواج</p>	<p>معايب</p>		
--	--------------	--	--

عوامل فردی

از بین عوامل فردی مختلفی که مصاحبه‌شوندگان برای گرایش به این روابط ذکر کردند روی فاصله گرفتن از ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی مدرن که منجر به شناخت بیشتر و قدرت انتخاب بهتر می‌باشد تأکید بیشتری داشته‌اند به‌طوری‌که هر ۹ نفر مصاحبه‌شونده روی این دو عامل اتفاق نظر داشته‌اند. چراکه مدعی بودند در ازدواج‌های سنتی هیچ‌گونه شناختی از طرف مقابل ندارند و وقتی این شناخت به‌دست می‌آید که دیگر ازدواج صورت گرفته و کار زیادی از دو طرف برنمی‌آید و مجبور به قبول آن می‌شوند.

در بین عوامل فردی، میل جنسی (که مردان حاضر در پژوهش گرایش بیشتری به نیاز جنسی داشتند)، احساس تنهایی، احساس نیاز به تکیه‌گاه، پیدا کردن فرد ایده‌آل برای ازدواج، نیاز عاطفی (احساس کمبود محبت)، رسیدن به امیدها و آرزوها نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن (که زنان موجود در تحقیق این عوامل را بیشتر ذکر کردند)، باعث شده که افراد گرایش بیشتری را نسبت به روابط قبل از ازدواج پیدا کنند.

کد ۳ می‌گوید: "دختر و پسر به سن بلوغ که می‌رسند احساس نیاز به جنس مخالف پیدا می‌کنند و دوست دارند که کسی به غیر از خانواده آن‌ها را دوست داشته باشد و آن‌ها هم دوستش بدارند،". کد ۱ می‌گوید: "از اول فقط برای رابطه جلو رفتیم چراکه در خیلی مسائل حمایت می‌کرد کاری که خانواده‌ام مخصوصاً پدرم هیچ‌وقت انجام ندادند".

کد ۹ می‌گوید: "این رابطه در ابتدا با عشق از طرف من شروع شد و در طول رابطه متوجه شدم که همسر من می‌تواند بهترین تکیه‌گاه در زندگی‌ام باشد و بسیاری از آرزوهایم با او محقق می‌شود".

کد ۷ می‌گوید: عوامل اجتماعی و خانوادگی: برخی از شرکت‌کنندگان اعلام کردند که این روابط از نظر خانوادگی پذیرفته شده است و جامعه نیز هر چه به جلو پیش می‌رود پذیرش این موضوع برایش آسان‌تر می‌شود؛ اما بعضی از مصاحبه‌شوندگان (به‌خصوص زنان موجود در تحقیق) به‌طور غیرمستقیم بیان کردند که این روابط به خاطر شرایط نامساعد خانوادگی و جو ناآرامی که داشتند شروع شده و بعد از شناخت به ازدواج ختم شده است.

کد ۱ می‌گوید: "اغلب پدر و مادرها این روابط را نادرست می‌دانند و می‌گویند ازدواج خیابانی اصلاً خوب نیست.

کد ۷ می‌گوید: "من از نظر خانوادگی هیچ مشکلی نداشتم ولی احساس می‌کنم که همسر من به خاطر همین مشکلات وارد رابطه شده است چراکه خیلی در زندگی شخصی خودش مشکل داشته و الان هم عصبانیت و رفتارهای غیرمنطقی او ریشه در گذشته و مشکلات خانوادگی‌اش دارد".

کد ۵ می‌گوید: "شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین دلیل من برای شروع این رابطه مشکلات خانوادگی بود".

کد ۲ می‌گوید: "زمان ما هنوز ماهواره نبود و تلویزیون هم درباره این روابط فیلمی پخش نمی‌کرد ولی اغلب دوستانم با جنس مخالف رابطه داشتند که تعدادی از این روابط به ازدواج هم ختم شده بود".

معیارهای انتخاب

بعضی از شرکت‌کنندگان در پژوهش اذعان داشتند که ویژگی‌های ظاهری علت جذب اولیه دو طرف بوده است و با وجود ویژگی‌های اخلاقی موجود این رابطه ادامه پیدا کرده است.

کد ۲ می‌گوید: "معیاری که من و همسر من خیلی روی آن تأکید داشتیم نجابت و ظاهر بود، ابتدا ظاهرش برایم مهم بود زمانی که جذب ظاهرش شدم ۵ ماه او را زیر نظر گرفتم و متوجه شدم که آدم نجیبی هم هست". تعدادی از شرکت‌کنندگان نیز معیارهایی همچون وفاداری، صداقت، رفع غریزه جنسی و دوست داشتن را علت ارتباط عنوان کردند.

کد ۱ می‌گوید: "در خیلی از مسائل در محیط کار از من حمایت می‌کرد و نسبت به کسانی که قبلاً با آنها رابطه داشتم و با چیزهایی که دیده و شنیده بودم خیلی متفاوت‌تر بود مثلاً احساس مسئولیت بالایی داشت و وفادار بود، یکسری معیارها خیلی برایم مهم بود که در همسر من وجود داشت به همین خاطر بحث تفاوت سنی زیاد برایم کم‌اهمیت شد".

کد ۸ می‌گوید: "احساس می‌کنم شاید یکی از علت‌های وارد شدن به این رابطه تنهایی و غریزه جنسی بود البته برای من وفاداری و صداقت همسر هم خیلی مهم بود و این که حتماً دوستم داشته باشد".

احساس فرد از تجربه روابط قبل از ازدواج

زنان و مردان شرکت‌کننده در پژوهش فکر می‌کردند که با ایجاد چنین روابطی قبل از ازدواج به شناخت لازم دست پیدا می‌کنند و همچنین بخشی از نیازهایشان نیز برطرف می‌شود. کد ۲ می‌گوید: "اول احساس خیلی خوبی از این رابطه داشتم اما در میانه راه به خاطر یکسری اتفاق‌ها دلسرد شدم ولی همین مسائل باعث شناخت بیشتر من از همسرم شد و حتی آگاهی نسبت به نیازها و خواسته‌های خودم پیدا کردم".

امتیازهای این نوع ازدواج

از نگاه افراد این پژوهش از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین امتیازهای این نوع ازدواج شناخت و درکی است که دو طرف به آن دست می‌یابند و ممکن است در آینده به آن‌ها کمک کند موفق‌تر عمل کنند. کد ۴ می‌گوید: "به نظر من ازدواجی که قبل از آن رابطه‌ای در حد معمول و نه پیشرفته باشد می‌تواند بهتر باشد، البته به نظرم هر دو نوع ازدواج از یک لحاظ‌هایی مزایا و معایبی دارند، ولی ازدواج‌های سنتی چون پدر و مادر حامی فرزندان هستند بعداً اگر در زندگی دچار مشکل شدیم می‌توانیم روی کمکشان حساب کنیم اما در این نوع ازدواج چون خودمان انتخاب می‌کنیم و برای خانواده پذیرفته شده نیست حمایت را از فرزندان دریغ می‌کنند".

معایب این نوع ازدواج

عمده مشکلی که افراد حاضر در پژوهش از آن یاد کردند بلاتکلیفی و ترس از رهاشدگی، برخوردار نبودن از حمایت خانواده و در مواردی عدم صداقت بود (که زنان بیشتر روی این موارد تأکید داشتند). کد ۴ می‌گوید: "راستش در این رابطه آسیب‌های زیادی به من رسیده است مهم‌ترینش از دست دادن حمایت خانواده بود و اطرافیان به چشم یک هرزه به من نگاه می‌کردند و دیگری شکی است که همسر بعد از ازدواج نسبت به من پیدا کرده که البته نمی‌دانم ربطی به رابطه قبل از ازدواج دارد یا نه، از دیگر عیب‌های این رابطه می‌توان به این نکته اشاره کرد که ممکن است همه این روابط به ازدواج منجر نشود و این از نظر عاطفی تأثیر بدی بر هر دو طرف مخصوصاً دختر دارد". کد ۵ می‌گوید: "بزرگ‌ترین عیب این رابطه عدم حمایت خانواده و همچنین عدم کنترل محدوده رابطه است".

نگرانی‌ها و دغدغه‌ها

انتخاب این سبک از زندگی برای زنان و مردان شرکت‌کننده در پژوهش نگرانی‌هایی را به دنبال داشت. که این نگرانی و دغدغه‌ها در دو مرحله قبل از ازدواج و بعد از ازدواج قرار می‌گیرد. تمامی

افراد شرکت‌کننده در پژوهش، ترس از این داشتند که این رابطه پایدار نباشد و توسط طرف مقابل پذیرفته نشوند که این باعث به وجود آمدن ترس از تنهایی و شکست و حتی خیانت در آن‌ها شده بود. در مرحله بعد از ازدواج نیز نگرانی‌هایی در زوجین وجود داشت یکی به خاطر این که هنوز جامعه به پذیرش کامل نرسیده است، ترس از قضاوت‌های دیگران مخصوصاً خانواده همسر داشتند و این که توسط آن‌ها پذیرفته نشوند (این نگرانی در زنان بیشتر بود) و همچنین این که شناخت کافی را از همسر خود به دست نیاورده باشند.

کد ۳ می‌گوید: "بیشتر دغدغه مالی داشتیم. من از قبل دید بدی به ازدواج نداشتم اما وقتی بحث ازدواج با همسرم پیش آمد بیشترین ترس از خانواده‌اش بود و ترس از عدم پذیرش توسط آن‌ها داشتم، مخصوصاً این ترس از طرف پدرش بود."

کد ۴ می‌گوید: "آن زمان فقط دغدغه و نگرانی از طرف خانواده بود و از طرف همسرم هیچ دغدغه‌ای نداشتم ولی الان که ازدواج کردیم بزرگ‌ترین نگرانی من از شکاکی همسرم است که کل زندگی‌مان را مختل کرده است و حتی به پسر بزرگم هم این شک سرایت کرده است."

همچنین در مورد نگرش جامعه کد ۷ می‌گوید: "باید ببینیم برداشت آدم‌ها از رابطه چه می‌تواند باشد مثلاً یک رابطه در حد رفت‌وآمد است و یک رابطه که فراتر از حد معمول پیش می‌روند. به نظر من در حد معمول پذیرفته شده می‌باشد چون بالاخره جوان‌هایی که قصد ازدواج دارند باید طرف مقابل را بشناسند."

۸-۶. جدول شماره ۳: کیفیت زندگی و روابط زوجین

کد	طبقات مفهومی		تم
	رضایت از زندگی مشترک		
	تأثیر مثبت و منفی تجربه رابطه قبل از ازدواج بر اعتماد، کنترل‌گری و محدودیت در زندگی زناشویی آزادی عمل و درک متقابل به خاطر شناخت نیازها و خواسته‌های همسر	بعد فردی	تأثیر رابطه قبل از ازدواج بر روابط کنونی زوجین
	شناخت نیازهای جنسی خود و همسر افزایش تعامل و همکاری در حل مشکلات	ارتباط با همسر	
	انکار والدین از مطلع بودن از رابطه تفاوت فرهنگی و مذهبی با خانواده همسر دخالت خانواده	بعد خانوادگی	
	همخوان نبودن معیارها و امیدها با زندگی واقعی	تفاوت‌ها و شباهت‌های دوران دوستی با بعد ازدواج	کیفیت زندگی و روابط زوجین بعد ازدواج

رابطه با همسر

در کیفیت زندگی و روابط زناشویی ارتباط نقش مهمی در ازدواج ایفا می‌کند. به گونه‌ای که از لحاظ ویژگی‌های زناشویی مشخص شده است که ارتباط مؤثر و کارآمد (کیفیت روابط زناشویی) میان شوهر و همسر مهم‌ترین جنبه خانواده‌های دارای عملکرد مطلوب می‌باشد.

بعد فردی

منظور از بعد فردی تمامی عواملی است که در تجربه رابطه قبل از ازدواج بدون دخالت عوامل خارجی زوجین به دست آورده‌اند و در رابطه زناشویی آنان تأثیرگذار بوده است.

در این بخش بعضی از مصاحبه شونده‌گان اعلام کردند که هرچه از ازدواج بگذرد رابطه زوجین بهتر می‌شود و روابط قبل از ازدواج نباید زیاد طول بکشد. همچنین شرکت‌کنندگان بیان کردند که ازدواج به خودی خود نوعی کنترل‌گری و محدودیت برای طرفین می‌آورد و بستگی به اعتمادی که نسبت به هم دارند میزانش فرق می‌کند، و این می‌تواند متأثر از تجربه قبل از ازدواج باشد. همچنین میزان تعهد زوجین و ارتباطات کلامی و جسمی نیز بستگی به شخصیت دو طرف و صمیمیت بین آن‌ها دارد (زنان حاضر تعهد بیشتری را در رابطه داشتند). در بعد روابط جنسی تعدادی از شرکت‌کنندگان به‌طور کل آن را در قبل ازدواج منع می‌کردند و مدعی بودند که باعث بی‌بند و باری و لطمه زدن به زندگی (مردان بیشتر بر وجود روابط جنسی تأکید داشتند).

در بعد اعتماد و کنترل‌گری و تعهد: کد ۶ می‌گوید: "اوایل آشناییمان بعضی مواقع همسرم را کنترل می‌کردم چون نه از خودم مطمئن بودم نه از همسرم و می‌دانستم که قبل از من هم رابطه داشت، ولی الان خیلی چیزها برطرف شده زیرا خودش را ثابت کرده است و اعتماد کم‌کم ایجاد شد و همین ترس آن زمان باعث عدم اعتماد و کنترل‌گری من شده بود؛ اما الان سعی می‌کنم خیلی محدودش نکنم و به او آزادی عمل بدهم هرچند تا حالا چیز خاصی از من طلب نکرده است، البته به نظر من آزادی زیاد هم خوب نیست چون خود من از آزادی زیاد به اینجا رسیدم. همسرم نیز محدودیت خاصی برایم نگذاشته و اگر هم کاری می‌کند حسادت‌های زنانه است، به همسرم متعهد هستم ولی در حیطه کاری یک جاهایی از کنترل من خارج می‌شود و مجبور می‌شوم کارهایی انجام بدهم و چون خودش هم در این شغل هست این مسائل را درک می‌کند".

در بعد جنسی

همچنین همسران در بعد روابط جسمی و کلامی و همچنین تعامل در حل مسائل خانوادگی ابراز کردند:

کد ۴ می‌گوید: "در حل مشکلات زندگی با هم همکاری داریم ولی بزرگ‌ترین مشکل ما شکاک بودن همسرم است که همه جای زندگی ما ریشه زده و در همه بحث‌های ما وجود دارد. از اول این‌قدر شکاک نبود ولی رفته‌رفته بیشتر شد. ارتباطمان خوب است ولی رابطه کلامی‌مان اصلاً خوب نیست و من به خاطر شک همسرم هیچ‌وقت نمی‌توانم با او راحت صحبت کنم و این برای من خیلی عذاب‌آور است".

کد ۸ می‌گوید: "رابطه جسمی من و همسرم خوب ولی رابطه کلامی ضعیفی داریم چون همسرم خیلی زود عصبانی می‌شود و اگر هم صحبتی باشد سعی می‌کنم یا از او مخفی کنم یا داستان را عوض می‌کنم و همه این‌ها به خاطر عصبی بودنش می‌باشد که به مشکلات خانوادگی‌اش برمی‌گردد".

بعد خانوادگی

در این بعد همسران بیان کردند که تعدادی از آن‌ها به خاطر مشکلات خانوادگی وارد رابطه شده‌اند (هرچند تعدادی از آن‌ها خودشان این موضوع را قبول نداشتند ولی همسر به این قضیه اعتراف کرده است) که این مورد بیشتر در خانم‌های پژوهش دیده شده است. تعدادی نیز بحث تفاوت فرهنگی را علت دخالت والدین و تأثیر بر رابطه خود دانسته‌اند.

کد ۷ می‌گوید: "خانواده‌ها خبر داشتند و برخورد بدی هم نکردند چون خانواده من را کامل می‌شناختند و می‌دانستند هدفم از شروع این رابطه چیست، خانواده همسرم خیلی در زندگی ما دخالت می‌کنند و همسرم هم خیلی تحت سلطه آن‌ها است و این خیلی من را عصبی می‌کند و همین دخالت‌ها حتی به تربیت بچه‌ها و حتی خصوصی‌ترین مسائل زندگی‌مان هم کشیده شده است و باعث شده من و همسرم باهم اختلاف پیدا کنیم، من احساس می‌کنم که همسرم به خاطر مشکلات خانوادگی وارد این رابطه شده چون در زندگی شخصی خودش خیلی مشکل داشته و الان این عصبی و بی‌منطق بودنش در بعضی مسائل ریشه در گذشته و مشکلات خانوادگی‌اش دارد".

کد ۴ می‌گوید: "با پدرم از بعد عقد رابطه‌ای نداشتیم، چون از پدرم هیچ محبتی ندیدم و جو خونه همیشه متشنج بود و منم ستم کم بود باعث شد جذب همسرم بشوم".

کد ۶ می‌گوید: "با پدر همسرم نه من رابطه دارم و نه خودش، احساس می‌کنم یکی از علت‌هایی که من را انتخاب کرده هم کمبود پدر هست و هم این که منم مثل پدرش معتاد بودم و ترک کردم. من هم اوایل حس پدری به او داشتم و چون از فرزند خودم دور بودم او جای خالی را برایم پر می‌کرد ولی الان این‌طور نیست".

شباهت‌ها و تفاوت‌های دوران دوستی با بعد از ازدواج

از آنجا که بعضی از معیارها و آرزوها با سطح واقعیت تطابق نداشت زوجین در زندگی زناشویی به آن دست پیدا نکرده بودند چراکه اعتراف می‌کردند از زندگی مشترک اطلاعی نداشتند و فکر می‌کردند همه زندگی مثل همان رابطه است (این مورد در زنان بیشتر گزارش شد)، اما خواسته‌ها و معیارهایی که منطقی بود با تلاش یا بدان رسیده بودند و یا امید به رسیدن داشتند. در بعد شناختی تقریباً همگی بیان کردند که به شناخت لازم رسیده بودند و بعد از ازدواج تفاوتی وجود نداشت به جز دو مورد که اعلام کردند:

کد ۲ می‌گوید: "فکر می‌کردم خیلی نسبت به همسرم شناخت پیدا کردم ولی بعد از ازدواج فهمیدم که اصلاً یک چیز متفاوتی هست و حتی با دوران عقد هم فرق می‌کرد و این متفاوت بودن خیلی

عالی‌تر و بهتر از دوران دوستی بود، فکرمی‌کنم به هیچ‌کدام از آرزوهایم نرسیدم با این که همسرم حمایت می‌کرد ولی محقق نشد چون من خیلی کمال‌گرا هستم و فکر می‌کردم یک زندگی کاملاً رمانتیک دارم و الان این‌طور نیست و زندگی واقعی خیلی با رؤیاهایم فرق می‌کند، معیارم برای ازدواج قیافه و نجابتش بود که هر دو بیشتر و بهتر هم شده است".

کد ۷ می‌گوید: "از نظر شخصی به هر چیز که می‌خواستم رسیده‌ام و می‌دانم که به بقیه آرزوها هم می‌رسم".

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر کیفیت زندگی و روابط زوجین شیرازی صورت گرفت. در این مطالعه کیفی، وضعیت زندگی از دید افرادی که خود درگیر این روابط بودند مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج این تحقیق بر وجود میل غریزی به شناخت جنس مخالف و فاصله گرفتن از ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی مدرن تأکید می‌کند. ولی به دلیل نبودن فلسفه زیربنایی این روابط در کشور ما و تفکر سنتی خانواده و عدم حمایت آن‌ها بعد از ازدواج و همچنین نرسیدن افراد به رشد فکری لازم در مورد هدف از ایجاد رابطه و عدم مدیریت درست آن، مشکلات و همچنین عوارض فردی و اجتماعی برای افراد به وجود می‌آید.

در تبیین علل و عوامل گرایش افراد به معاشرت با جنس مخالف می‌توان این علل را در هرم پنج‌گانه مازلو تعریف کرد: نیاز جنسی جز دسته نیازهای اولیه، فیزیولوژیک و اساسی ارگانسیم محسوب می‌شود که بالاترین فشار را به فرد وارد می‌آورد. نیاز به امنیت و آرامش از جمله نیازهای مهم بشر است، که بخشی از آن شامل: آسایش خاطر ناشی از اطمینان شخص به ارضای نیازمندی‌ها و خواهش‌های خود؛ و فرد احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرش را تجربه خواهد کرد. بر طبق این نیاز افراد حاضر در پژوهش به این علت به سمت جنس مخالف کشیده می‌شوند که احساس حمایت و امنیت از طرف خانواده خود دریافت نکرده‌اند و یا ناچیز بوده است و از آنجایی که احساس ایمنی، ارضای نیازهای بالاتر را امکان‌پذیر می‌سازد، به این ارتباط روی آورده‌اند.

نیازهای اجتماعی یا احساس تعلق و محبت که در طبقه دوم هرم قرار دارد و در تبیین آن می‌توان گفت که انسان موجودی اجتماعی است و هنگامی که نیازهای اجتماعی اوج می‌گیرد، آدمی برای روابط معنی‌دار با دیگران سخت می‌کوشد؛ که این نیاز می‌تواند متأثر از دو موضوع باشد:

- ۱- این که فرد در خانواده آن‌طور که باید از نظر عاطفی تأمین نشده است.
- ۲- شخص در جهت رشد و تکامل، نیاز به صمیمیت و عاطفه فراتر از محیط خانواده و با جنس مخالف دارد که علت زمینه‌ای ازدواج می‌باشد.

طبقه بعدی نیاز به احترام در افراد است که باید گفت بر طبق نظر ماژلو احترام قبل از هر چیز نسبت به خود است و سپس قدر و منزلتی که توسط دیگران برای فرد حاصل می‌شود؛ که در اینجا می‌توان به این نتیجه رسید به خاطر تفاوت نسلی بین والدین و فرزندان درک متقابل بین آن‌ها آن‌گونه که باید پیش نمی‌آید و به دنبال آن امیدها و آرزوهای فرد توسط خانواده پذیرفته شده نمی‌باشد. در نتیجه فرد به خاطر کمبود اعتماد به نفس احساس می‌کند آن‌طور که باید شخص مقبول و مورد احترامی نیست. طبقه آخر خودشکوفایی یعنی شکوفا کردن تمامی استعدادهای پنهان آدمی. در این پژوهش افراد آزادی عمل را یکی از علل ورود به رابطه بیان کرده‌اند، می‌توان چنین برداشت کرد به خاطر این که هر دو فرد در یک نسل قرار دارند پس خواسته‌ها و علایق طرف مقابل را بهتر درک می‌کنند، و فرد به دلیل هیجانی که احساس می‌کند می‌تواند استعدادهای خود را کشف کند و به علایق خود دست یابد وارد رابطه می‌شود. در این پژوهش مردان بیشتر به خاطر نیاز جنسی وارد رابطه شده‌اند در صورتی که زنان بیشتر به خاطر امنیت و آرامش و احساس تعلق وارد رابطه می‌شوند. در مورد گرایش افراد از سبک زندگی سنتی به سبک زندگی مدرن باید گفت با گذشت زمان و زیاد شدن امکانات، نیازها و معیارهای افراد در ازدواج تغییر کرده است. جامعه ایرانی جامعه‌ای است با بنیان‌های قوی فرهنگی و سنتی که در آن دین نقش مهمی در زندگی مردم ایفا می‌کند و وقتی رفتاری جز هنجارهای پذیرفته شده یک جامعه نباشد اکثریت آن اجتماع نسبت به آن رفتار به چشم تابو نگاه می‌کنند و افرادی را که مرتکب آن می‌شوند با نگاه منفی و به چشم هنجارشکن می‌نگرند. یکی از دیگر علت‌های ورود جوانان به رابطه با جنس مخالف وجود مشکلات خانوادگی مخصوصاً مشکلات با والدین است که باعث فرار جوانان از محیط خانه می‌شود.

در مورد معیارهای انتخاب در این روابط باید گفت که ملاک‌های ازدواج در مقایسه با نسل‌های گذشته تغییر کرده است. در اینجا نیز با توجه هدف و نیت طرفین در ابتدای دوستی معیارها متفاوت است، چون افرادی که با قصد ازدواج وارد رابطه می‌شوند معیارها متناسب با انتخاب همسر می‌باشد و در نتیجه می‌تواند به شناخت بهتر منجر شود.

احساس فرد در این دوره به‌طور کلی همراه با رضایت جزئی است به دلیل این که نیازهایی که به خاطر آن وارد رابطه می‌شوند تا حدود زیادی برآورده می‌شود؛ اما مدتی که از رابطه می‌گذرد نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی نیز به وجود می‌آید که همین نگرانی را با عنوان معایب این نوع ازدواج بیان می‌کنند. فرد جامعه و خانواده را پیش روی خود دارد که اگر وی را با جنس مخالف ببینند، قضاوت‌های مختلفی خواهند کرد که باعث سرزنش می‌شود و افراد را آزرده می‌کند.

در این پژوهش در مورد ارتباطات می‌توان گفت از دید برخی نظریه‌پردازان در کیفیت روابط زناشویی ارتباط نقش مرکزی در ازدواج ایفا می‌کند. ارتباط در دو سطح کلامی و غیرکلامی روی می‌دهد. یکی از دلایل اصلی بروز اختلافات زناشویی، ناهماهنگی پیام‌هایی است که به‌طور هم‌زمان توسط این دو

سطح منتقل؛ بنابراین یکی از راه‌های برقراری ارتباط زوجین با یکدیگر، شناخت تفاوت‌های فردی است. در رابطه با میزان آزادی عمل زوجین بعد از ازدواج می‌توان گفت افراد با آزادی عملی که در زندگی خود دارند به رشد شخصی می‌رسند که یکی از مؤلفه‌های مهم کیفیت زندگی می‌باشد که به صورت شکوفا ساختن کلیه نیروها و استعدادها، به دست آوردن توانایی جدید که مستلزم روبرو شدن با شرایط سخت و مشکلات است، حاصل می‌شود. در این پژوهش تمامی افراد حاضر (به خصوص زنان) بعد از ازدواج محدودیت‌هایی در زندگی خود داشته‌اند که باعث کمتر شدن آزادی عمل برای رسیدن به خواسته‌ها و علایق در آن‌ها شده بود. جدای از بحث محدودیت‌هایی که مختص وارد شدن به زندگی مشترک است بخشی از این محدودیت‌ها به خاطر وجود بی‌اعتمادی در زوجین اتفاق می‌افتد

در رابطه با مسائل جنسی که خود یکی از ابعاد ارتباطی می‌باشد می‌توان گفت که رضایت جنسی یکی از فاکتورهای مهم مؤثر بر سلامتی زوجین و شاخص مهم رضایت از زندگی و پایداری کیفیت زندگی است.

در خصوص تعهد زناشویی باید گفت مؤلفه اول و تعیین‌کننده در زمینه تعهد زوجین، تعریف آن‌ها از رابطه زناشویی و تعهد است؛ مثلاً برخی از زوجین در این پژوهش بیان کردند همین‌که خودشان بدانند متعهدند کفایت می‌کند حتی اگر در عمل و رفتار آن‌طور که باید نتوانند نشان دهند.

در رابطه با طول مدت ازدواج می‌توان گفت که کیفیت زندگی زناشویی با گذشت زمان کاهش می‌یابد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که زوجین در سال‌های اولیه ازدواج رضایت بالایی را احساس می‌کنند ولی در اواسط سال‌های ازدواج به خاطر وجود فرزند و وضعیت شغلی و اقتصادی میزان رضایت پایین می‌آید و در اواخر سال‌های ازدواج که زوجین به ثبات می‌رسند دوباره سطح رضایت بالا می‌آید.

در رابطه با عوامل خانوادگی که بر روابط و کیفیت زندگی زوجین تأثیر می‌گذارد می‌توان به مشکلات خانوادگی، ویژگی‌های والدین و عدم تناسب خانواده‌ها اشاره کرد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت در تمام روابط بین فردی افراد با انتظارات مشخص و معینی وارد رابطه می‌شوند

در رابطه با شباهت‌ها و تفاوت‌های قبل و بعد از ازدواج (تطابق خواسته‌ها و آرزوها با سطح واقعیت) می‌توان گفت نظریه پردازان تعاریف جدیدتر کیفیت زندگی را به صورت اختلاف بین سطح انتظارات انسان‌ها و سطح واقعیت‌ها عنوان می‌کنند که هر چه اختلاف کمتر، کیفیت زندگی بالاتر.

یعنی شیوه زندگی با این مفهوم که فرد به خواسته‌های خود می‌رسد بهبود می‌یابد. ولی با توجه به گفته مصاحبه شونده‌گان بعضی از آرزوها با سطح واقعیت تطابق ندارد، در نتیجه رسیدن به این آرزوهای خام پیش از ازدواج به کیفیت زندگی کمکی نمی‌کند. یکی از علت‌های رضایت این افراد از

زندگی زناشویی خود، درک تفاوت‌های فردی قبل از ازدواج و متناسب ساختن انتظارات خود با این تفاوت‌ها، به خاطر وجود عشق و علاقه بینشان بود.

در رابطه با نگرش فرد بعد از ازدواج و رضایت از زندگی مشترک می‌توان گفت، انطباق رفتارهای زناشویی زوجها با یکدیگر و وجود تفاهم و همدلی و عشق بین آنها باعث به وجود آمدن رضایت متقابل می‌شود، یعنی این رضایت زمانی محقق می‌شود که وضعیت موجود در روابط زناشویی با روابط مورد انتظار فرد منطبق باشد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمد حسین، (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران. فصلنامه خانواده‌پژوهی، س (۷)، ش (۲۸).
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمد حسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر، (۱۳۹۱). هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران، فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۱.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمد حسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر، (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش (۲).
- احمدی، زهرا؛ احمدی، سید احمد؛ فاتحی زاده، مریم السادات، (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی شیوه زوج‌درمانی ارتباط شیء کوتاه‌مدت بر الگوهای ارتباطی زوجین. فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره (۲)، ش (۶)، ص ۱۰۵-۱۱۷.
- احمدی، علیاصغر (۱۳۸۶). تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان. چاپ دوازدهم.
- ایمانی، محسن، (۱۳۸۶). تبیین و نقد نظریه انسان برتر نیچه و دلالت آن بر تعلیم و تربیت. نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره (۳۷)، ش (۲).
- رفاهی، ژاله؛ گودرزی، محمود؛ میرزاهای چهارراهی، مرتضی، (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان، فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، ش (۱).
- غلامعلیان، فهیمه؛ احمدی، سید احمد؛ باغبان، ایران (۱۳۸۵). کیفیت زندگی زناشویی، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، سال سیزدهم، شماره (۴۹) و (۵۰).
- کاوه فیروز، زینب، (۱۳۸۶). تعیین‌کننده‌های اجتماعی-جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران). زن در توسعه و سیاست، دوره (۱۲)، ش (۳).
- مظاهری، اکرم، (۱۳۸۵). تأثیر آموزش گروهی عزت‌نفس بر میزان سازگاری اجتماعی و کیفیت زندگی دانشجویان. نشریه دانشور رفتار، دوره (۱۳)، ش (۱۶) (ویژه مقالات روان‌شناسی ۶).
- نادری نویندگانی، زهرا، (۱۳۹۲). چالش‌های روابط دختر و پسر بدون قصد ازدواج و تشکیل خانواده (با تأکید بر آموزه‌های قرآنی)، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش ملی انجمن مشاوره ایران.
- Lewis, R. A., & Spanier, G. B. (1979). Theorizing about the quality and stabilimarrriage. In W. R. Burr, R. Hill, F. I. Nye, & I. L. Reiss (Eds.), *Contemoptheories about the family*. 2.,